

مهاجرت

شهلا کاظمی پور*

مقدمه

مهاجرت نوعی جابه‌جایی و حرکت جمعیت از یک منطقه به منطقه‌ای دیگر است. انسان از زمانی که خود را شناخته، پیوسته در جست‌وجوی نان، مأوای بهتر و امنیت بیشتر، از نقطه‌ای به نقطه دیگر کوچیده است (مارتین، ۱۳۸۳: ۱). اما حمل و نقل سریع و نسبتاً ارزان زمینی و هوایی ابعادی تازه به مهاجرت بخشیده است. اکنون مردم راحت‌تر از هر زمان دیگر می‌توانند نقل مکان کنند، و وقتی چنین کنند، کمتر احتمال داده می‌شود که برای همیشه در محل جدید اقامت گزینند. جهانی شدن نیروی کار، که در نتیجه پیشرفت صنعت حمل و نقل و ارتباطات حاصل شده، بعضی از مهاجران را به خانه‌به‌دوش‌های جدید تبدیل کرده است. زمانی که مردم محل اقامت خود را تغییر می‌دهند، هم در کوتاه‌مدت و هم در درازمدت، در تغییرات جمعیتی سهیم می‌شوند. مهاجرت یکی از فرایندهای بسیار مهم جمعیت‌شناختی است (ویکس، ۱۳۸۵: ۲۶۹). بررسی مهاجرت‌هایی که طی قرون متمادی صورت گرفته نشان می‌دهد که مهم‌ترین جنبه این جابه‌جایی‌ها، که آنها را از مهاجرت‌های قرن حاضر متمایز می‌سازد، اجباری بودن این حرکت‌ها بوده است. افراد و گروه‌ها غالباً به دلایل مختلفی نظیر جنگ، بلایای طبیعی یا تبعید مجبور به ترک وطن می‌شدند. این جنبه از مهاجرت در جابه‌جایی‌های جمعیتی قرن حاضر کمتر دیده می‌شود — چه در مهاجرت‌هایی که غالباً در محدوده مرزهای جغرافیایی یک کشور صورت می‌گیرد (مهاجرت از روستا به شهر

و...) و چه در مهاجرت به خارج از مرزهای سیاسی یک کشور. اما وجه اشتراک تمامی این جابه‌جایی‌های مکانی وجود انگیزه افزایش سطح رفاه مادی است. شاید تا چند دهه پیش، بروز خشکسالی در یک منطقه باعث می‌شد که گروه کثیری از ساکنان آن منطقه به اجبار به منطقه‌ای دیگر مهاجرت کنند. اما خشکسالی یا عوامل دیگر، در حقیقت، موجب کاهش سطح رفاه مادی در منطقه مبدأ می‌شد تا حدی که افراد مجبور می‌شدند، برای دستیابی به حداقل امکانات معیشتی و افزایش رفاه خود، به منطقه‌ای دیگر با شرایط بهتر مهاجرت کنند (حسینی جلی، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

مهاجرت می‌تواند راه‌حلی برای بحران‌های جمعیتی محسوب شود، جمعیت اضافی را از نقطه‌ای به خارج از آن هدایت کند، نیروی کار مازاد و بیکار را به سرزمین‌های نیازمند سوق دهد، عدم تعادل‌های ساختاری جمعیت را مرتفع کند، از طریق جذب قسمتی از دستمزد کارگران شاغل در خارج، در ایجاد تعادل ارزی مؤثر افتد و موجبات جذب سرمایه و انتقال فناوری را به داخل فراهم سازد، همچنین از طریق ایجاد و تقویت روحیه تولید و رقابت، وضعیت را بهبود بخشد. در مقابل، مهاجرت نیروی کار ممکن است به عدم تعادل اقتصادی در مبدأ منجر شود، تخلیه سرزمین از نیروی کار برخوردار از توانمندی اقتصادی، علمی و فنی را به دنبال داشته باشد، مسائل پیچیده سیاسی و اجتماعی در روابط بین کشورها ایجاد کند، و به نیروی مخرب تفاهم و توسعه تبدیل شود (زنجانی، ۱۳۸۰: ۲). مهاجرت به خودی خود مثبت تلقی می‌شود، اما پیدایش و گسترش بی‌رویه و بدون برنامه آن مشکلات و مسائل مکانی-فضایی متعددی را هم در مبدأ و هم در مقصد می‌آفریند (پورطاهری و

* دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

محمودی، ۱۳۸۸: ۳۵۲).

کشور ایران نیز طی نیم قرن اخیر با بسیاری از مشکلات ناشی از مهاجرت بی‌رویه از روستا به شهر، از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها، و مهاجرت عظیم متخصصان به کشورهای صنعتی روبه‌رو بوده است. در این مقاله، ابعاد مختلف مهاجرت‌های داخلی و خارجی در کشورهای مختلف و ایران بررسی می‌شود. روش تحقیق در این مطالعه روش اسنادی است، بدین معنی که با مراجعه به کتاب‌ها و اسناد و مدارک معتبر و نشریات آماری، اطلاعات لازم جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شده است.

۱. تعاریف

۱.۱. مهاجرت

به هرگونه تغییر محل اقامت، مهاجرت گفته می‌شود که شامل رها کردن فعالیت‌های سازمان‌یافته در یک محل و انتقال دایره فعالیت‌ها به محلی دیگر است (Goldscheider, 1971). بنابراین، مهم‌ترین جنبه مهاجرت جابه‌جایی است (ویکس، ۱۳۸۵: ۲۷۱). اوبرای در تعریف خود از مهاجرت می‌نویسد: «مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی است که بین دو منطقه جغرافیایی انجام می‌شود. این تحرک شامل یک منطقه یا مبدأ مهاجرت و اقامت در منطقه دیگر یا مقصد مهاجرت می‌باشد» (اوبرای، ۱۳۷۰: ۴۳).

۲.۱. انواع مهاجرت

مهاجرت از نظر مرزهای سیاسی

- **مهاجرت داخلی:** به کلیه حرکات‌های جمعیتی در داخل مرزهای یک کشور مهاجرت داخلی می‌گویند. مهاجران داخلی ممکن است از شهر به شهر، از شهر به روستا، از روستا به شهر یا از روستا به روستا نقل مکان کنند.

- **مهاجرت خارجی یا بین‌المللی:** مهاجرت خارجی به مهاجرت مردم از کشوری به کشور دیگر اطلاق می‌شود (محمودوند و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۴۶). مهاجرت متخصصان نوع خاصی از مهاجرت خارجی است که اصطلاح فرار مغزها را برای آن به کار می‌برند، یعنی مهاجرت افراد متخصص و تحصیل‌کرده از کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته.

مهاجرت از نظر تعداد

- **مهاجرت گروهی:** مهاجرت دسته‌جمعی افراد مهاجرت گروهی نامیده می‌شود. این نوع مهاجرت غالباً به دلایل سیاسی و اجتماعی و بعضاً اقتصادی صورت می‌گیرد.

- **مهاجرت فردی:** مهاجرت فردی اکثراً به صورت خودخواسته و بدون حمایت یا اجبار رسمی صورت می‌گیرد (حسینی جبلی، ۱۳۸۸: ۱۵۹).

مهاجرت از نظر نوع تصمیم‌گیری

- **مهاجرت اجباری:** نوعی از مهاجرت گروهی و عمده نیروی انسانی است که بدون اختیار و تمایل فرد یا گروه صورت می‌گیرد. بهترین مثال مهاجرت اجباری انتقال بردگان از موطنشان به نقاط دیگر است که تا قرن نوزدهم ادامه داشت. مهم‌ترین شاخصه‌های این نوع مهاجرت اجباری بودن (عدم تمایل فرد و گروه)، فاصله نسبتاً زیاد بین مبدأ و مقصد، و تعداد کثیر مهاجران است. جنگ، بلایای طبیعی و حوادث نیز می‌توانند عامل مهاجرت اجباری باشند.

- **مهاجرت اختیاری:** جابه‌جایی افراد از روی تمایل و با صرف هزینه از یک منطقه به منطقه دیگر است. این نوع مهاجرت به دلایل متعددی صورت می‌پذیرد اما عوامل اقتصادی مهم‌ترین دلیل این‌گونه مهاجرت‌هاست (همان، ۱۵۸).

- **مهاجرت بالقوه:** مهاجر بالقوه کسی است که اگر فرصتی یا شرایطی فراهم شود، میل دارد که جابه‌جا شود (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۱۵۹).

مهاجرت از نظر مدت‌زمان

- **مهاجرت بلندمدت یا دائم:** مهاجرت کسانی که، در جابه‌جایی، هم اقامتگاه «عادی» و هم فعالیت خود را برای یک دوره طولانی تغییر می‌دهند.

- **مهاجرت موقت:** جابه‌جایی مهاجر برای دوره‌ای کوتاه‌مدت با این قصد که به اقامتگاه «قبلی» خود برگردد. یک گروه مهم از مهاجران ادواری، مهاجران فصلی‌اند که برحسب نیاز به نیروی کار فصلی و وجود فرصت‌های شغلی فصلی، فعالیت‌های شغلی و سالانه خود را در جاهای مختلف انجام می‌دهند.

- **مهاجرت سیار:** تحرک کسانی که اقامتگاه خود را جابه‌جا می‌کنند بدون اینکه فعالیت خود را تغییر دهند. مهاجران سیار، در بیشتر کشورها، گروه‌های متعدد و بااهمیتی هستند، ولی به سختی

اقامت دومحلی

عبارت است از حرکت به سمت جلو و عقب بین شهر و روستا (همان: ۱۷۰).

۲. رویکرد نظری: مهاجرت و توسعه

ابعاد گسترده و پیچیدگی امر مهاجرت باعث شده تا محققان بی‌شماری مهاجرت را در حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهند. پدیده مهاجرت، به دلیل ماهیت بین‌رشته‌ای خود، موضوع بسیاری از مطالعات انسانی و اجتماعی و اقتصادی است که هریک به مصادیق خاصی از آن پرداخته‌اند. به همین دلیل نظریات ارائه‌شده در مورد مهاجرت شمول عام ندارند و قادر به تبیین همه انواع مهاجرت نیستند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۰). در این مقاله، دیدگاه‌ها و نظرات صاحب‌نظران در مورد مهاجرت و توسعه ارائه می‌گردد.

راونشتاین^۲، پدر مطالعات جدید در زمینه مهاجرت، در اثر مشهور خود *قوانین مهاجرت* (۱۸۸۹-۱۸۸۵)، متذکر می‌شود که افزایش مهاجرت در قالب صنایع و تجارت به پیشرفت بیشتر و انتقال آن کمک می‌کند. به عبارت دیگر، مهاجرت ارتباط مستقیمی با توسعه دارد. به علاوه، راونشتاین ثابت کرد که جهت مهاجرت «عمدتاً از نواحی کشاورزی به سمت مراکز صنعت و تجارت» و «دلیل اصلی مهاجرت انگیزه‌های اقتصادی» است و توسعه جزء لاینفک فرایند مهاجرت به شمار می‌آید (Skeldon, 2008: 2).

آرتور لویس^۳ معتقد است که به موازات توسعه صنعتی و گسترش تولید در بخش مدرن، نیروی کار از بخش سنتی به این بخش رانده می‌شود. انتقال نیروی کار از بخش سنتی به بخش مدرن به ایجاد ارزش افزوده در بخش سرمایه‌داری منجر می‌شود و، با گسترش سرمایه‌داری، نسبت پس‌انداز و سرمایه به تولید ناخالص ملی افزایش می‌یابد. تا زمانی که این شرایط ادامه داشته باشد، مهاجرت نیز استمرار می‌یابد و حتی تشدید می‌شود و، در نتیجه، امکان رشد اقتصادی فراهم می‌گردد (تودارو، ۱۳۶۸: ۳۹۸). طرفداران دیدگاه وابستگی بر این عقیده‌اند که نمی‌توان علت مهاجرت را از آثار آن جدا کرد زیرا مهاجرت از یک طرف معلول

می‌توان آنان را تشخیص داد. در تجزیه و تحلیل بازار کار، این گونه مهاجران آثار ضمنی قابل توجهی دارند. وجود کارگرانی که بتوان به گونه‌ای انعطاف‌پذیر انتقالشان داد، در بیشتر موارد، مؤسسات خصوصی و سازمان‌های دولتی و دیگر کارفرمایان را قادر می‌سازد که کارآیی تولیدات خود را افزایش دهند و با شرایط موجود سازگار سازند (حسینی جبلی، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

۳.۱. شیوه‌های مهاجرت

مهاجرت زنجیره‌ای

تعریف گسترده‌ای که از مهاجرت زنجیره‌ای شده عبارت است از: «پوششی که طی آن مهاجرین به مقصدی می‌روند که از قبل آنجا را شناخته، تماس‌هایی با آنجا برقرار کرده یا از طریق دوستان و خویشاوندان به طور غیرمستقیم چیزهایی درباره آنجا شنیده‌اند» (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۱۶۸).

مهاجرت مرحله‌ای

در مهاجرت مرحله‌ای یا پله‌ای، در طی جابه‌جایی، مردم از مناطق روستایی به مناطق شهری مهاجرت می‌کنند، به این ترتیب که نخست از روستا به شهرهای کوچک (نزدیک‌تر) می‌روند، سپس به شهرهای بزرگ و بالاخره به بزرگ‌ترین شهرها می‌رسند. این روند می‌تواند در دوران زندگی یک فرد یا حتی چند نسل تکمیل شود. مهاجرت مرحله‌ای در شرایطی اهمیت بیشتری می‌یابد که شهرهای بزرگ در فاصله طولانی قرار داشته باشند و مهاجرت از روستا به شهر کمتر رواج یافته باشد. یک مسئله در مفهوم مهاجرت مرحله‌ای این است که تا روند این گونه مهاجرت به مرحله پایانی نرسیده باشد، کمتر کسی می‌تواند خود را مهاجر مرحله‌ای بنامد (همان: ۱۶۷).

مهاجرت چرخشی

زلینسکی^۱ (۱۹۷۱) مهاجرت چرخشی را فرایندی تعریف می‌کند که در طی آن، مهاجر وطن خود را به قصد اینکه نهایتاً به آنجا بازگردد ترک می‌کند (به نقل از همان: ۱۶۹).

2. Ravenstein

3. Louis

1. Zelinsky

توسعه نابرابر و از طرف دیگر عامل توسعه نابرابر است. مطابق این دیدگاه، با توجه به توزیع نابرابر امکانات بین مناطق شهری و روستایی و نبود صرفه اقتصادی در تولید کشاورزی، روستاییان به منظور برخورداری از امکانات بیشتر به شهرها مهاجرت می‌کنند (لهسائی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۵).

در نظریه انتقال تحرکی^۱، زلینسکی (۱۹۷۱) به رابطه بین جابه‌جایی جمعیت و فرایند نوسازی می‌پردازد که از طریق آن، تغییر اقتصادی و اجتماعی ابتدا در نقاط مرکزی جامعه (معمولاً شهرها) ایجاد می‌شود و سپس به مناطق کوچک‌تر و اجتماعات دورتر روستایی اشاره می‌یابد. به نظر وی، حرکت جمعیتی در چنین موقعیت‌هایی ابتدا از بخش «سنتی» به بخش «مدرن» و، بنابراین، عمدتاً از نقاط پیرامونی به مرکز است. توصیف پیترسون (۱۹۵۸) از حرکت کنندگان تحت عنوان خلاق یا محافظه‌کار نیز در اینجا مهم است. خلاق‌ها آنهایی هستند که از بخش سنتی به بخش پیشرفته حرکت می‌کنند و محافظه‌کاران کسانی هستند که یا در بخش سنتی می‌مانند یا اینکه در خلاف جهت، از مدرن به سنتی، حرکت می‌کنند (به نقل از لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۱۴۸-۱۴۷).

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که مهاجرت‌های داخلی و خارجی یکی دو قرن اخیر عمدتاً متأثر از عوامل توسعه‌ای بوده‌اند و جریان حرکت همواره از کشورها و مناطق توسعه‌نیافته به سمت کشورها و مناطق توسعه‌یافته است. این جریان مهاجرت به توسعه‌یافتگی جوامع، چه مهاجرپذیر و چه مهاجرفرست، کمک می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که مهاجرت، صرف نظر از مسائل و مشکلات مقطعی که ایجاد می‌کند، اگر هدفمند و با برنامه انجام شود، به توسعه جوامع یاری می‌رساند.

۳. وضعیت دیگر کشورها

۱.۳. کشورهای امریکایی

از گذشته‌های دور تا به امروز، امریکا کشوری مهاجرپذیر بوده است. جریان مهاجرت به سمت ایالات متحده امریکا همواره افت و خیزهایی داشته تا جایی که این کشور در آغاز جنگ جهانی اول با بیش از یک میلیون مهاجر روبه‌رو بوده است. مهاجرت به ایالات

متحده و کانادا در دهه نخست قرن بیستم به اوج خود رسید. در این برهه، ۱/۶ میلیون نفر به کانادا و حدود ۹ میلیون نفر به ایالات متحده مهاجرت کردند. آنان با این سودا که خیابان‌ها با طلا آسفالت شده است به امریکا می‌آمدند، اما خیلی زود متوجه می‌شدند که خیابان‌ها اصلاً آسفالت ندارد و از آنان انتظار می‌رود که این کار را بکنند (Leroux, 1984)، به نقل از ویکس، ۱۳۸۵: ۳۰۳).

در قرن نوزدهم، اکثر مهاجران به امریکا از انگلیس، ایرلند، اسکاتلند و سوئیس (شمال و غرب اروپا) بودند. اما پس از آن دامنه مهاجرت به جنوب و شرق اروپا، به‌ویژه آلمان، کشیده شد (همان: ۳۰۳).

در سرشماری سال ۲۰۰۰، جمعیت امریکا حدود ۲۸۱/۵ میلیون نفر بود که از این تعداد، ۳۱ میلیون نفر یا ۱۱/۱ درصد شهروند ایالات متحده نبودند.

داده‌های پیمایش‌های جمعیت جاری و دیگر منابع در امریکا بیانگر آن است که سالانه بالغ بر ۳۵۰ هزار نفر از امریکا به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند که حدود نیمی از آنها در خارج از امریکا متولد شده‌اند.

۲.۳. کشورهای اروپایی

در قرن نوزدهم بیشتر مهاجرت‌ها در اروپا شامل نقل مکان داوطلبانه مردم به سرزمین‌های جدید واقع در امریکا و اقیانوسیه بود (همان: ۲۹۷). در فاصله سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۱۴، حدود ۶۰ میلیون اروپایی به امریکا مهاجرت کردند (همان: ۱۴).

علاوه بر مهاجرت اروپایی‌ها به امریکای شمالی، میلیون‌ها ایتالیایی، اسپانیایی، اتریشی، آلمانی و دیگر اروپایی‌ها در همان مقطع زمانی در امریکای لاتین (خصوصاً برزیل و آرژانتین) ساکن شدند (Sanchez-Albornoz, 1988). مهاجرت از اروپا در حول و حوش جنگ جهانی اول به اوج خود رسید و از آن زمان به بعد، اروپا دیگر هیچ‌گاه مهاجرتی با این گستردگی به خود ندید که دلیل آن تا اندازه‌ای افزایش دستمزدها در اروپا و رکود اقتصادی بزرگ دهه ۱۹۳۰ در ایالات متحده امریکا بود (همان: ۳۰۵).

اروپا در عین حال با نوعی مهاجرت‌های منطقه‌ای در داخل خود مواجه است، مانند مهاجرت پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها به فرانسه، مهاجرت ایتالیایی‌ها به سوئیس و آلمان، و، در گذشته، مهاجرت یوگسلاوها و ترک‌ها به آلمان.

طی سال‌های پس از انقلاب صنعتی و در اواسط قرن هجدهم،

ایجاد شده بود به سوی کشورهای صادرکننده نفت سرازیر شدند. خاورمیانه در یک دوره طولانی شاهد تحرک بزرگ‌ترین گروه پناهندگان از کشور افغانستان و ۳ میلیون آواره فلسطینی در نوار غزه و ساحل غربی رود اردن بوده است (همان: ۴۱).

جابه‌جایی جریان‌های نیروی کار قراردادی در آسیا، عمدتاً شامل کارگران نیمه‌ماهر از کره جنوبی، فیلیپین، تایلند و اندونزی، به طور ویژه بر کشورهای خاورمیانه متمرکز بوده است. مهم‌ترین کشور مهاجرپذیر عربستان سعودی بود که در اواسط دهه ۱۹۸۰، بیش از ۶۰ درصد از کل نیروی کار آن را خارجی‌ان تشکیل می‌دادند. بر اثر بحران خلیج فارس در ۱۹۹۰، این جابه‌جایی به شدت دچار وقفه شد و در پایان آن سال، تعداد بسیاری از کارگران قراردادی به کشور خود بازگشتند.

۵.۳. مطالعه تطبیقی وضعیت مهاجرت جمعیت جهان در قاره‌های مختلف

بررسی آمارها نشان می‌دهد که جمعیت مهاجر جهان در سال ۲۰۰۵ معادل ۱۹۱ میلیون نفر بوده که حدود ۳ درصد از کل جمعیت جهان را شامل می‌شود. بررسی تعداد و درصد کل جمعیت جهان و مهاجران در قاره‌های مختلف به شرح جدول ۱ نشان می‌دهد که بیشترین سهم مهاجران بین‌المللی به ترتیب به قاره‌های اروپا (۳۳/۶ درصد)، آسیا (۲۸ درصد) و امریکای شمالی (۲۳/۳ درصد) اختصاص دارد. اما نسبت مهاجران به کل جمعیت هر قاره بیانگر آن است که در بین قاره‌های مختلف، بیشترین درصد مهاجران بین‌المللی متعلق به قاره‌های اقیانوسیه (۱۴/۹ درصد)، امریکای شمالی (۱۳/۴ درصد) و اروپا (۸/۸ درصد) است و قاره‌های امریکای لاتین، آسیا و آفریقا سهم ناچیزی از مهاجرت بین‌المللی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۱. تعداد جمعیت جهان و تعداد و درصد مهاجران در قاره‌های

مختلف (۲۰۰۵)

قاره	تعداد جمعیت (میلیون نفر)	تعداد مهاجران (میلیون نفر)	درصد مهاجران	
			نسبت به کل مهاجران	نسبت به جمعیت هر قاره
آفریقا	۹۲۲	۱۷/۲	۹/۰	۱/۸۶
آسیا	۳۹۳۸	۵۳/۵	۲۸/۰	۱/۳۶

به دنبال کاهش مرگ و میر و افزایش سریع جمعیت و احداث کارخانه در شهرها، مهاجرت عظیم روستاییان به شهرها در اروپا آغاز گردید که به توسعه صنعتی کشورها کمک کرد و در نهایت توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کل جامعه اروپا را به دنبال داشت.

۳.۳. آسیا

با توجه به وسعت و جمعیت قاره آسیا و تفاوت‌های محسوس سطح درآمد، نوع معیشت و رخدادهای سیاسی در کشورهای مختلف آن، این قاره در دهه‌های اخیر به مرکز مهاجرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای تبدیل شده است. برای مثال، کشور چین رتبه نخست اعزام مهاجر به کشور کانادا را به خود اختصاص داده است (مارتین، ۱۳۸۳: ۳۲). توسعه صنعتی خارق‌العاده ژاپن، تحولات اقتصادی و صنعتی جنوب شرقی آسیا، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن، جنگ‌های خونین حوزه خلیج فارس، مشکلات سیاسی و حکومتی افغانستان، مصایب و مسائل مربوط به فلسطین، و سرانجام رونق اقتصادی کشورهای نفت‌خیز از مهم‌ترین عوامل مهاجرت‌های منطقه‌ای در این قاره بوده است (زنجانی، ۱۳۸۰: ۴۶).

اکثر مهاجران آسیایی کارگران موقتی هستند که معمولاً برای یافتن کار از یک کشور آسیایی عازم کشور دیگری در آسیا یا راهی خاورمیانه می‌شوند. خاورمیانه اولین منزلگاه مهاجران آسیایی است به طوری که در اوایل دهه ۱۹۸۰ یک میلیون مهاجر آسیایی را جلب و جذب کرده است (مارتین، ۱۳۸۳: ۳۳).

کشور فیلیپین عمده‌ترین صادرکننده نیروی کار در آسیاست. مطابق آمار دولت فیلیپین، کارگران مهاجر فیلیپینی سالانه ۷ میلیارد دلار پول به داخل کشور حواله می‌کنند که معادل ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) این کشور است (همان: ۳۸).

۴.۳. کشورهای منطقه

خاورمیانه که از غرب آسیا تا شمال آفریقا امتداد دارد شاهد جابه‌جایی برخی از بزرگ‌ترین جمعیت‌ها و جریان‌های نیروی کار در ۵۰ سال گذشته بوده است. ایجاد کشورهای هندوستان و پاکستان و بعدها بنگلادش با مهاجرت‌های انبوهی توأم شد. به دنبال افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۰، میلیون‌ها کارگر خارجی با هدف دستیابی به مشاغل که به برکت درآمدهای سرشار نفتی

امریکای لاتین	۵۵۸	۶/۷	۳/۵	۱/۲۰
امریکای شمالی	۳۳۲	۴۴/۵	۲۳/۳	۱۳/۴
اروپا	۷۳۱	۶۴/۲	۳۳/۶	۸/۸
اقیانوسیه	۳۳/۴	۵/۰	۲/۶	۱۴/۹
کل جهان	۶۵۱۵	۱۹۱	۱۰۰/۰	۲/۹۳

منبع: Population Division of the UN Secretariat, 2006

باید متذکر شد که درصد بالایی از مهاجران وارد شده به قاره‌های توسعه‌یافته آمریکا، اروپا و اقیانوسیه از سه قاره پرجمعیت دیگر (به‌خصوص آسیا) هستند. در همین سال، درصد مهاجران خارجی در ایران حدود ۲/۳ درصد از کل جمعیت بوده است که در حد میانگین کل جهان و از ارقام مربوط به اروپا و امریکای شمالی بسیار کمتر است.

براساس گزارش سازمان ملل، میزان خالص مهاجرت سالانه در سه قاره اروپا (۱/۵ در هزار)، امریکای شمالی (۴/۲ در هزار) و اقیانوسیه (۳/۲ در هزار) مثبت بوده که نشان می‌دهد این سه قاره مهاجرپذیرند، در صورتی که در قاره‌های افریقا (۰/۵- در هزار)، آسیا (۰/۳- در هزار) و امریکای لاتین (۱/۵- در هزار) این میزان منفی بوده و هرساله تعداد زیادی از جمعیت این سه قاره به کشورهای اروپایی، امریکای شمالی و اقیانوسیه مهاجرت می‌کنند. این رقم در مورد ایران ۴/۱- در هزار اعلام شده که در مقایسه با متوسط ارقام قاره‌های مختلف، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. البته در منطقه آسیای غربی کشورهای تاجیکستان (۱۰/۹- در هزار) و قزاقستان (۸- در هزار) نیز مهاجرفرستی بالایی دارند. درصد بالایی از رقم مهاجرفرستی ایران مربوط به بازگشت اجباری مهاجران افغانی از ایران طی سال‌های اخیر است. مهاجرت درصد بالایی از تحصیل‌کردگان به کشورهای توسعه‌یافته و مهاجرت نیروی کار به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز از جمله عوامل عمده مؤثر در این رقم هستند.

۴. مهاجرت در ایران

بی‌تردید بخش مهمی از تاریخ و تمدن کشور ما رهاورد مهاجرت‌ها و ساخته مهاجران است و حتی نام این کشور نیز منسوب به قومی است که به قولی، در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد، به این سرزمین مهاجرت کرده، در آن اسکان یافته، سلسله‌های متعددی را تشکیل داده و تمدنی را پایه‌گذاری کرده‌اند که امروزه یکی از پربافت‌ترین

تمدن‌های انسانی شناخته می‌شود (زنجانی، ۱۳۸۰: ۶۸).

گرچه در طول تاریخ همواره مهاجرت به عنوان فرایندی اجتماعی و اقتصادی در کشور جریان داشته است، آمار و ارقام قابل اتکایی در این خصوص وجود ندارد.

با مرور قوانین برنامه‌های اول تا چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۶۸)، در مورد سیاست‌های مهاجرت‌های داخلی و خارجی به نتایجی به شرح ذیل دست یافتیم:

۱.۴. مروری بر قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اشارات مختصری به بحث مهاجرت و شهرنشینی شده است.

قانون برنامه اول توسعه (۱۳۷۲-۱۳۶۸)

تبصره ۴۴. دولت موظف است تسهیلات لازم را جهت بازگشت آن تعداد از فارغ‌التحصیلان ایرانی دانشگاه‌های خارج از کشور که مایل به خدمت در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی هستند فراهم نماید (متانی، ۱۳۸۶: ۲۸).

تبصره ۴۵. دولت مکلف است تسهیلات لازم از قبیل زمین، ساختمان، وام و مصالح ساختمانی را برای آن دسته از اعضای هیئت علمی که فاقد مسکن هستند فراهم نماید.

بند ۱۰.۳. با توجه به هدف توزیع جغرافیایی منطقی جمعیت و فعالیت‌ها در سرزمین، سیاست‌های آمایش سرزمین در جهت اصلاح ساختار فضایی توسعه کشور با تأکید بر سازمان‌دهی، تنظیم روابط و تقویت پیوند بین مراکز جمعیتی در شبکه‌های سازمان‌یافته از مراکز شهری و نواحی روستایی و عشایری به شرح زیر است:

- مهار رشد و آمایش درونی قطب‌های اشباع‌شده‌ای که حجم جمعیت و فعالیت بر ظرفیت‌های زیربنایی و استعدادهای تولیدی آنها فزونی یافته است؛
- تجهیز گزیده‌ای از شهرهای بزرگ در کشور به عنوان مراکز منطقه‌ای جهت تمرکززدایی و تفویض قسمتی از وظایف متعدد تهران به آنها؛

خارج از کشور بر عهده خواهد داشت.

قانون برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

بند ۱۲. تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقای سطح شاخص‌هایی از قبیل آموزش، سلامت، تأمین غذا، افزایش درآمد سرانه و مبارزه با فساد؛

۴۲. ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی؛

۱۹. آمایش سرزمین — گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای؛

۴۳. توسعه روستاها؛

۴۴. ارتقای سطح درآمد و زندگی روستاییان؛

۴۵. هم‌افزایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در زمینه‌هایی که دارای مزیت نسبی هستند.

ارزیابی عملکرد برنامه‌های اول تا چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۶۸ به اجرا درآمده‌اند نشان می‌دهد که تعداد زیادی از سیاست‌های فوق با برنامه‌ریزی صحیح به مرحله اجرا درنیامده‌اند. لذا می‌توان گفت اکثر مسائل و مشکلاتی که در این سال‌ها در مورد مهاجرت‌های خارجی (به‌خصوص مهاجرت افغانه به ایران) و مهاجرت‌های داخلی (مهاجرت‌های عظیم روستا-شهری و توسعه بی‌رویه شهرهای بزرگ) در کشور وجود داشته لاینحل باقی مانده و با رشد فزاینده جمعیت و نبود امکانات زیربنایی در مناطق روستایی و شهرهای کوچک و عدم سرمایه‌گذاری در جهت توسعه مناطق محروم، این مشکلات چند برابر نیز شده است. در اکثر کشورهای توسعه‌یافته، مهاجرت عامل توسعه تلقی می‌شود در حالی که در کشور ما به توسعه نابرابر دامن زده است.

۲.۴. روند مهاجرت در ایران

مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت در ایران در دو قالب مهاجرت‌های خارجی یا بین‌المللی و مهاجرت‌های داخلی صورت می‌گیرد. مهاجرت‌های خارجی نیز به دو شاخه مهاجرت‌فرستی از ایران و مهاجرت‌پذیری در داخل کشور تفکیک می‌شود.

مهاجرت ایرانیان به خارج سابقه طولانی دارد، ولی در چند دهه اخیر شدت یافته است. شواهد و مدارکی دال بر مهاجرت ایرانیان به

- تجهیز و تقویت شهرهای متوسط جهت پذیرش سهم غالب سرریز جمعیت شهرهای بزرگ؛
- تجهیز و تقویت شهرهای کوچک به عنوان حلقه اتصال جامعه شهری به جامعه روستایی؛
- تجهیز و تقویت مراکز دهستان و روستاهای مرکزی و ایجاد روستا-شهرها به منظور تسهیل خدمات‌رسانی به مناطق روستایی؛
- نگهداشت جمعیت عشایری براساس رابطه تعادل‌یافته بین نسبت دام و ظرفیت مراتع و تأمین مشاغل مولد؛
- اولویت‌بازسازی و آمایش دوباره مناطق آسیب‌دیده از جنگ تحمیلی (همان: ۳۶۰).

قانون برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴)

تبصره ۴۱. به منظور جذب نیروهای متخصص ایرانی خارج از کشور و حمایت از نیروهای متخصص در داخل کشور دولت موظف است مفاد تبصره‌های ۴۴ و ۴۵ برنامه اول توسعه را با اصلاحات انجام‌شده طی برنامه دوم توسعه اجرا نماید.

بند ۶ از سیاست‌های کلی برنامه دوم:

- ۴.۶. تأمین مشاغل مولد برای نیروی کار عشایر در مناطق روستایی و ایجاد زمینه‌های مناسب جهت استقرار فعالیت‌های غیرکشاورزی در محیط روستایی؛
- ۵.۶. کاهش نیروهای کار خارجی و همچنین فراهم آوردن زمینه‌های اعزام نیروی کار به خارج از کشور.

قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

ماده ۴۸. وزارت کشور موظف است حداکثر در سال اول برنامه پنج‌ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ترتیبی اتخاذ نماید که کلیه افراد خارجی فاقد پروانه کار را جمع‌آوری نموده و در صورت عدم تهدید جانی، آنها را به کشور متبوع خود انتقال دهد و در غیر این صورت آنها را در اردوگاه‌های مشخص مجتمع نماید.

ماده ۵۳. کمیته متشکل از وزرای امور خارجه، کار و امور اجتماعی، امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌ریزی و هدایت و نظارت و پیش‌بینی تمهیدات لازم را از نظر قوانین و مقررات برای اعزام نیروی کار به

قاره آفریقا (جزیره زنگبار)، هندوستان و بلاد قفقاز قبل از سال ۱۳۰۰ ه.ش وجود دارد. از آن پس، با بروز تحولات اقتصادی-اجتماعی در داخل و پیدایش بازارهای جدید کار در دیگر کشورها، این مهاجرت‌ها شدت گرفته است. اولین مقصد ایرانیان مهاجر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس به‌ویژه کویت بود. از سال ۱۳۴۰، با افزایش درآمدهای نفتی، مهاجرت ایرانیان به کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی شدت یافت. برخلاف مهاجران رهسپار شیخ‌نشین‌های خلیج فارس که اکثراً نیروی کار ساده بودند، بیشتر مهاجرت‌کنندگان به اروپا و آمریکا را افرادی تشکیل می‌دادند که برای ادامه تحصیل راهی این کشورها می‌شدند. گروهی از آنها به میهن بازمی‌گشتند و برخی در آنجا ماندگار می‌شدند.

وقوع انقلاب اسلامی دور تازه‌ای از مهاجرت به خارج را در پی داشت. سرمایه‌داران و وابستگان به رژیم سابق، و ناراضیان سیاسی و مذهبی از اولین گروه‌های مهاجر در خلال انقلاب بودند. از آن پس، مهاجرت شدت بیشتری یافت. کمبود فرصت‌های شغلی برای متخصصان در داخل و امکان اشتغال مناسب در خارج از طریق کسب اجازه کار یا سرمایه‌گذاری، گروهی را روانه کشورهای خارجی کرد. این روند همچنان ادامه دارد و موجب فرار مغزها یا سرمایه‌ها از ایران می‌شود و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مهمی به دنبال دارد.

دولت ایران هیچ‌گاه در مورد مهاجرت‌های بین‌المللی و خروج ایرانیان، به‌خصوص افراد متخصص و تحصیل‌کرده، دارای سیاست مدون تشویقی یا بازدارنده نبوده است. با آنکه در تبصره ۴۴ قانون برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲-۱۳۶۸) تأکید شده که اقداماتی در جهت بازگشت فارغ‌التحصیلان ایرانی دانشگاه‌های خارج به عمل آید، مروری بر اقدامات انجام‌شده روشن می‌سازد که این اقدامات چندان مثمرتر نبوده و تاکنون قوانین و مقرراتی در جهت تأمین خواسته‌های تحصیل‌کردگان در ایران وضع نشده لذا نمی‌توان از مهاجرت خیل تحصیل‌کردگان به خارج از کشور جلوگیری کرد.

از جمله عمده‌ترین مهاجران واردشده به ایران در طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی، مهاجران عراقی و پناهندگان افغانی هستند که تعداد مهاجران افغانی در بعضی سال‌ها به بیش از ۲/۸ میلیون نفر می‌رسید (نظری تاج‌آبادی، ۱۳۶۹: ۱۶۴). ولی در حال حاضر ایران مهاجرپذیری زیادی از سایر کشورها ندارد و، چنانکه قبلاً نیز

اشاره شد، میزان خالص مهاجرت در ایران ۴/۱- در هزار است که بیانگر مهاجرت‌فرستی آن است.

معمولاً کشورهای توسعه‌یافته دارای سیاست‌های خاص جمعیتی هستند و یکی از سیاست‌های عمده آنها بازنگری ساختار جمعیتی و جذب مهاجر است ولی همواره تلاش می‌کنند با اعمال قوانین بازدارنده از ورود افراد فاقد صلاحیت جلوگیری و، از طریق انتخاب اصلح، بهترین نیروها و متخصص‌ترین افراد را جذب کنند. در صورتی که در ایران هرگز سیاست جمعیتی متقنی وجود نداشته و مهاجرت افغانه یا اتباع بیگانه تحت نظارت خاص قرار نداشته است.

به دنبال افزایش سریع جمعیت ایران در دهه اول انقلاب اسلامی و رسیدن این گروه به سن کار، تقاضای کار در کشور طی ده سال اخیر بیشتر از عرضه کار بوده و میزان بیکاری در کشور افزایش یافته است. لذا یکی از سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی اعزام نیروی کار به خارج از کشور است چنانکه در بند ۵۶ قانون برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی بر کاهش نیروی کار خارجی و فراهم آوردن زمینه‌های اعزام نیروی کار به خارج از کشور تأکید شده است.

با عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) در نوامبر ۲۰۰۱، این کشور و سازمان مذکور متفقاً همکاری‌های گسترده‌تری را در امر مدیریت مهاجرت بنیان نهادند که یکی از دستاوردهای آن تأسیس انجمنی برای مطالعات مهاجرت و پناهندگی در سپتامبر ۲۰۰۴ در وزارت کشور بود.

قدم دیگر امضای یادداشت تفاهمی برای همکاری‌های فنی بین وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) و سازمان بین‌المللی کار (ILO) در یازدهم مارس ۲۰۰۴ بود که برگزاری نخستین کنفرانس بین‌المللی اشتغال در خارج از کشور و مهاجرت نیروی کار از ۱۸ تا ۲۰ اسفند ۱۳۸۳ (۸ تا ۱۰ مارس ۲۰۰۵) ثمره آن و گام مهمی به سوی مراحل اجرایی کار بود.

وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت امور خارجه نیز به منظور سامان‌دهی اعزام نیروی کار به خارج از کشور و فعال ساختن نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور و تدوین آیین‌نامه جدید در این زمینه، تفاهم‌نامه‌ای امضا کردند (آزادی کناری، ۱۳۸۸: ۴۲۲).

نوع دیگر و غالب مهاجرت در ایران مهاجرت‌های داخلی به‌خصوص مهاجرت‌های روستا-شهری است. در مورد مهاجرت‌ها

تغییر داده‌اند. مقایسه ارقام نشان می‌دهد که میزان مهاجرت در کشور در طی سال‌های فوق نسبت به دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ با افزایش همراه بوده است (جدول ۲).

جدول ۲. وضعیت جمعیت شهری، روستایی و مهاجر ایران

در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ (واحد: هزار نفر)

عنوان	۱۳۷۵	۱۳۸۵
تعداد کل جمعیت	۶۰۰۵۵	۷۰۴۹۶
تعداد جمعیت نقاط شهری	۳۶۷۸۸	۴۸۲۶۰
تعداد جمعیت نقاط روستایی	۲۳۲۶۷	۲۲۲۳۶
نسبت جمعیت شهری / کل	۶۱/۳	۶۸/۵
تعداد مهاجران	۸۷۱۹	۱۲۱۴۸
درصد مهاجران نسبت به کل جمعیت کشور	۱۴/۵	۱۷/۲

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵

در دوره ده‌ساله ۱۳۸۵-۱۳۷۵، جمعیت ایران از رشد متوسط ۱/۶۱ درصد در سال برخوردار بوده در صورتی که رشد جمعیت مهاجر کشور ۳/۳۷ درصد بوده است. این ارقام بیانگر رشد بیشتر جمعیت مهاجر نسبت به کل جمعیت در کشور است.

با وجود رشد بیشتر جمعیت مردان (۱/۶۳ درصد) نسبت به زنان (۱/۶۱ درصد) طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵، رشد سالانه جمعیت مهاجر زن (۳/۲۷ درصد) طی این سال‌ها کمی بیشتر از متوسط رشد سالانه مردان مهاجر (۳/۲۴ درصد) بوده که بیانگر افزایش بیشتر میزان مهاجرت زنان طی دهه مذکور است. افزایش چشمگیر سهم زنان در آموزش عالی و گرایش آنان به اشتغال در خارج از خانه از عوامل عمده گرایش بیشتر زنان به مهاجرت است (جدول ۳).

در سال ۱۳۸۵، نزدیک به نیمی از جمعیت کشور (۴۹/۱ درصد) و ۴۴/۴ درصد از جمعیت مهاجر زن بوده‌اند (جدول ۴). بنابراین می‌توان گفت که با وجود افزایش رشد جمعیت زنان مهاجر، هنوز درصد مردان در بین مهاجران بیش از زنان است. به‌خصوص مردان جوان به نسبت بیشتری مهاجرت می‌کنند.

جدول ۳. درصد رشد سالانه کل جمعیت و جمعیت مهاجر کشور

به تفکیک کل، زیر ۱۸ سال، ۱۸-۳۵ ساله و جنس (۱۳۸۵-۱۳۷۵)

نوع جمعیت	کل جمعیت	جمعیت مهاجر
کل جمعیت		
کل	۱/۶۱	۳/۳۷

و جابه‌جایی‌های جمعیتی در داخل ایران که شکل عمده آن مهاجرت روستا-شهری است، دولت ایران دارای هیچ نوع سیاست تشویقی یا بازدارنده نبوده و همیشه به این نصیحت بسنده کرده که در شهر خبری نیست و سعی کرده روستایی را از مهاجرت منصرف سازد. با آنکه در بند ۱۰.۳ قانون برنامه‌های اول تا چهارم توسعه مربوط به سیاست‌های آمایش سرزمین به اقداماتی در جهت توزیع جغرافیایی منطقی جمعیت اشاره شده است و با وجود اجرای برخی اقدامات توسعه‌ای در جهت رفع کمبودهای روستاها، نابرابری توسعه مناطق مختلف در کشور همچنان رو به افزایش است. حتی می‌توان گفت که برخی سیاست‌ها و برنامه‌های غیرمستقیم مانند توسعه آموزش عالی در شهرهای بزرگ، استقرار پادگان‌های نظامی در مراکز بزرگ جمعیتی و عدم نظارت بر انتقال شغلی و جذب نیروی کار، به تشدید روند مهاجرت روستا-شهری و مهاجرت به شهرهای بزرگ کمک کرده است.

بررسی آمارها نشان می‌دهد که مهاجرت روستا-شهری در ایران سابقه‌ای ۵۰ ساله دارد به طوری که سهم جمعیت شهرنشین از حدود ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۶۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است که بخش عمده آن ناشی از مهاجرت روستاییان به شهرهاست (کاظمی‌پور، ۱۳۸۴: ۳۲۸).

براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن و مطالعه مهاجرت‌های دوره‌ای، تعداد مهاجران از ۸ میلیون و ۷۱۹ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ به ۱۲ میلیون و ۱۴۸ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. طی این سال‌ها سهم جمعیت روستایی از کل جمعیت روندی کاهشی داشته و این امر بیانگر آن است که نرخ رشد جمعیت روستایی همواره کمتر از نرخ رشد جمعیت شهری کشور بوده است که دلیل اصلی آن مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها با وجود اجرای سیاست‌های تثبیت جمعیت روستایی در این دوران است، هرچند تغییر تقسیمات کشوری و تبدیل برخی روستاها به شهر نیز در این امر بی‌تأثیر نبوده است. به نظر می‌رسد که به رغم موفقیت نسبی کشور در اجرای سیاست خروج مهاجران خارجی، سیاست‌های تثبیت جمعیت روستایی با توجه به هزینه سنگین اجرای طرح‌های زیربنایی، فرهنگی و اجتماعی در روستاها چندان موفقیت‌آمیز نبوده است (حسینی جلی، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

در دوره ده‌ساله ۱۳۸۵-۱۳۷۵، معادل ۱۷/۲ درصد از کل جمعیت ایران حداقل یک بار محل سکونت خود را در داخل کشور

۴۴/۴	۴۹/۱	درصد زنان در کل جمعیت
۲۶/۲	۳۲/۵	درصد جمعیت زیر ۱۸ سال
۴۸/۰	۴۸/۸	درصد زنان در بین جمعیت زیر ۱۸ سال
۵۴/۸	۳۷/۳	درصد جمعیت ۱۸-۳۵ ساله
۴۲/۹	۴۹/۴	درصد زنان در بین جمعیت ۱۸-۳۵ ساله

محاسبه شده براساس نتایج سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

در سال ۱۳۸۵، ۶۳/۲ درصد از جمعیت ساکن در نقاط شهری و ۷۹/۱ درصد از جمعیت ساکن در نقاط روستایی کشور در شهر یا روستای محل اقامت خود متولد شده و بقیه طی سال‌های پس از تولد به شهر یا روستای محل اقامت فعلی خود مهاجرت کرده‌اند.

مقایسه این ارقام نشان می‌دهد که حدود ۳۷ درصد از جمعیت شهرنشین و ۲۱ درصد از جمعیت روستانشین کشور تا سال ۱۳۸۵ حداقل یک بار محل سکونت خود را پس از تولد تغییر داده‌اند. در بین استان‌های کشور بیشترین سهم متولدین در غیر محل اقامت فعلی به استان‌های تهران (۴۹/۴ درصد)، قم (۳۹ درصد)، کهگیلویه و بویراحمد (۳۸ درصد)، کردستان و قزوین (هرکدام ۳۵ درصد) اختصاص دارد و کمترین سهم متولدین در غیر محل اقامت فعلی به استان‌های همدان و آذربایجان شرقی (هرکدام ۲۳ درصد)، کرمان و لرستان (هرکدام ۲۲ درصد)، سیستان و بلوچستان و چهارمحال و بختیاری (هرکدام ۲۰ درصد) مربوط می‌شود (نقشه ۱).

مقایسه این ارقام نشان می‌دهد که استان‌های تهران، قم، کهگیلویه و بویراحمد، کردستان و قزوین بیشترین سهم مهاجرپذیری و در مقابل استان‌های همدان، آذربایجان شرقی، کرمان، لرستان، سیستان و بلوچستان و چهارمحال و بختیاری کمترین سهم مهاجرپذیری را داشته‌اند.

در سال ۱۳۸۵، ۹/۹ درصد از جمعیت کشور مهاجران درون‌استانی و ۷/۳ درصد مهاجران بین‌استانی بوده‌اند.

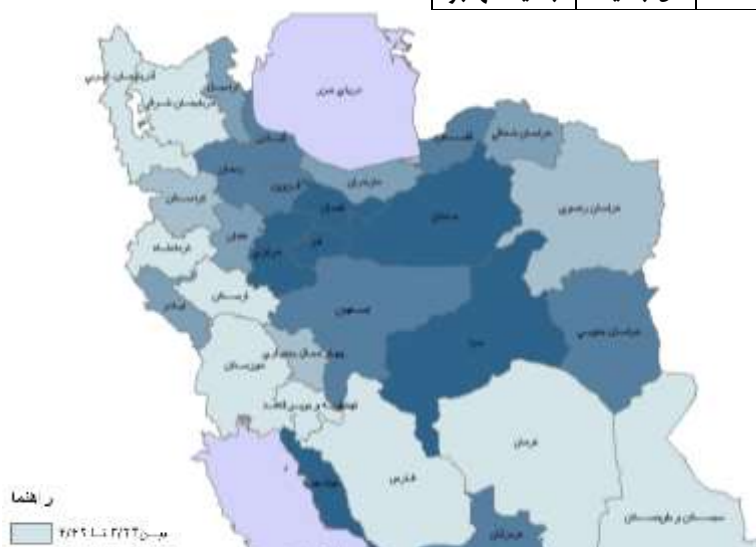
۳/۲۴	۱/۶۳	مرد
۳/۲۷	۱/۶۰	زن
جمعیت زیر ۱۸ سال		
-۰/۷۳	-۱/۹۸	کل
-۰/۸۷	-۱/۹۳	مرد
-۰/۵۸	-۲/۰۳	زن
جمعیت ۱۸-۳۵ ساله		
۶/۰۵	۴/۶۰	کل
۶/۰۹	۴/۷۲	مرد
۵/۹۹	۴/۴۷	زن

محاسبه شده براساس نتایج سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

سهم جمعیت زیر ۱۸ سال کشور در سال ۱۳۸۵ معادل ۳۲/۵ درصد بوده یعنی حدود یک‌سوم جمعیت کشور در سنین زیر ۱۸ سال قرار داشتند، در صورتی که این رقم در بین مهاجران معادل ۲۶/۲ درصد بوده یعنی میزان مهاجرت این گروه کمتر از جمعیت بالای ۱۸ سال و اکثراً مهاجرت‌های تبعی یعنی به تبعیت از خانواده است. در سال ۱۳۸۵، ۴۸/۸ درصد از جمعیت واقع در سنین زیر ۱۸ سال زن بوده‌اند و رقمی در همین حد (۴۸/۰ درصد) به مهاجران زن اختصاص دارد، بنابراین می‌توان گفت که تفاوت عمده‌ای بین دو جنس در مهاجران زیر ۱۸ سال مشاهده نمی‌شود. در عوض، سهم مهاجران در میان جمعیت ۱۸-۳۵ ساله (۵۴/۸ درصد) تفاوت بارزی با درصد جمعیت ۱۸-۳۵ ساله به کل جمعیت (۳۷/۳ درصد) دارد و نشان می‌دهد که سهم مهاجران در بین جمعیت این گروه سنی بسیار بالاست. این تفاوت بیشتر مربوط به مردان واقع در این سنین است و سهم زنان مهاجر کمتر است.

جدول ۴. درصد جمعیت زنان، زیر ۱۸ سال و ۱۸-۳۵ ساله نسبت به کل جمعیت به تفکیک کل جمعیت و جمعیت مهاجر (۱۳۸۵)

نوع جمعیت	کل جمعیت	جمعیت مهاجر
-----------	----------	-------------



نقشه ۱. توزیع استان‌های کشور برحسب درصد مهاجران وارد شده طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵

مقایسه علل مهاجرت مهاجران با جنس آنها نشان می‌دهد که اکثر مردان به دلایل مربوط به کار و تحصیل مهاجرت می‌کنند در صورتی که اکثر زنان مهاجر تبعی به تبعیت از همسر مهاجرت می‌نمایند. البته در سال‌های اخیر، به دلیل توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی، نقش ادامه تحصیل پررنگ‌تر شده است.

مطالعات نشان می‌دهد که بین درآمد سرانه کل خانوارهای روستایی و میزان مهاجرت رابطه معکوس وجود دارد و درآمد سرانه نیز تابعی از عوامل مختلف از جمله ترکیب فعالیت، میزان بهره‌وری در واحد هکتار، سطح زیر کشت، نوع کشت، قطعات زراعی و ویژگی‌های نیروی انسانی است (میکانیک و تاج‌ریزی، ۱۳۸۸: ۲۴۱).

پایین بودن سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی در مناطق روستایی کشور موجب دفع و رانش جمعیت از این مناطق و جذب و کشش آن به مناطق شهری شده است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۸: ۲۴۵). آمارها و اطلاعات مربوط به رشد جمعیت شهری و روستایی و حجم مهاجرت‌های روستایی و روستاهای خالی از سکنه نه تنها حاکی از توان و پتانسیل بالاتر شهرهای بزرگ نسبت به مناطق روستایی برای جذب و نگهداری جمعیت بلکه نشان‌دهنده توزیع نامطلوب و نامتوازن جمعیت در ایران است. ادامه روند فعلی موجب کاهش روزافزون جمعیت مناطق روستایی و خالی از سکنه شدن بسیاری از روستاها و نیز بروز بسیاری از مسائل و مشکلات در جامعه شهری می‌شود (مشفق، ۱۳۸۱: ۲۹۴).

تغییرات ناهمگون جمعیت در کشور ما از یک سو به علت رشد چشمگیر جمعیت و از سوی دیگر ناشی از تحولات بدون برنامه و نامتعادل اقتصادی است. ادامه این روند به کاهش هرچه بیشتر جمعیت روستایی و افزایش سکنه شهرهای بزرگ می‌انجامد که مشکلات فراوانی را برای مناطق شهری و روستایی در پی دارد. افزایش سریع و بیمارگونه جمعیت کلان‌شهرها، فقدان امکانات

در بین استان‌های کشور، استان‌های کهگیلویه و بویراحمد (۱۷/۶۶ درصد)، کردستان (۱۳ درصد) و خراسان جنوبی (۱۲/۷۲ درصد) بیشترین و استان‌های قم (۲/۲۹ درصد)، همدان (۷/۴۸ درصد) و سیستان و بلوچستان (۷/۷۷ درصد) کمترین سهم مهاجران درون‌استانی را دارا بوده‌اند.

بیشترین سهم مهاجران بین‌استانی نسبت به کل جمعیت هر استان به استان‌های قم (۱۳/۴۳ درصد)، سمنان (۱۲/۶۲ درصد) و تهران (۱۲/۰۱ درصد) و کمترین سهم به استان‌های سیستان و بلوچستان (۳/۲۳ درصد)، کرمان (۳/۷۳ درصد)، خوزستان (۴/۱۴ درصد) و آذربایجان غربی (۴/۲۷ درصد) اختصاص داشته است. این ارقام نشان می‌دهد که استان‌های قم، سمنان و تهران بیشترین درصد مهاجران بین‌استانی را در مقایسه با کل جمعیت استان خود جذب کرده و، در مقابل، استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، خوزستان و آذربایجان غربی در حد بسیار کمی جاذب جمعیت مهاجر از سایر استان‌ها بوده‌اند.

۳.۴. علل و عوامل مؤثر بر مهاجرت

علل مهاجرت‌های داخلی در ایران براساس ارزیابی نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ عبارت‌اند از: پیروی از خانوار (۴۶ درصد)، جست‌وجوی کار (۸/۷۵ درصد)، تحصیل (۸/۵۷ درصد)، پایان خدمت و وظیفه (۶/۵۵ درصد)، انتقال شغلی (۵/۱۳ درصد)، جست‌وجوی کار بهتر (۵/۰۲ درصد)، انجام خدمت و وظیفه (۳/۷۵ درصد)، پایان تحصیل (۱/۳۱ درصد) و سایر موارد یا اظهارنشده (۱۴/۹۲ درصد).

چنانکه ملاحظه می‌شود، پس از پیروی از خانوار که خود یک عامل تبعی است، جست‌وجوی کار، تحصیل، پایان خدمت و وظیفه، انتقال شغلی و جست‌وجوی کار بهتر از مهم‌ترین دلایل جابه‌جایی‌های جمعیتی در ایران است.

شهری مطلوب، افزایش بیکاری پنهان شهری، حاشیه‌نشینی، آلونک‌نشینی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، از بین رفتن امکانات روستاهای خالی از سکنه، کاهش پتانسیل تولید، و برهم خوردن ساختار سنی جمعیت روستایی از جمله عواقب ناخوشایند مهاجرت‌های روستا-شهری است. برشمردن این مشکلات به معنای محکومیت مهاجران روستایی نیست بلکه واقعیت این است که مهاجرت فرد واکنشی است در مقابل منظومه‌ای از محرک‌های محیطی و اجتماعی (همان: ۲۹۶).

در کشور ما، در بین استان‌ها و حتی در داخل یک استان، توسعه نابرابر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد. می‌توان گفت که روند مهاجرت در ایران بیشتر مبتنی بر نظریه وابستگی و توسعه نابرابر است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

۱.۵. مقایسه یافته‌ها در ایران و جمع‌بندی

مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور به دو شکل صورت می‌پذیرد. اول، مهاجرت افراد تحصیل کرده و دارای مهارت و تخصص بالا به کشورهای توسعه یافته به منظور برخورداری از رفاه و امکانات بیشتر و دوم، مهاجرت نیروی کار به کشورهای مختلف از جمله ژاپن، کره، برخی کشورهای اروپایی و کشورهای حوزه خلیج فارس.

براساس آمار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، در سال ۱۳۸۰، جمعاً ۲,۷۹۲,۷۱۰ ایرانی در کشورهای آمریکایی (۱,۷۰۴,۹۵۹ نفر)، اروپایی (۷۱۴,۵۶۰ نفر)، آسیایی (۳۰۸,۰۸۱ نفر)، اقیانوسیه (۵۹,۰۰۰ نفر) و آفریقایی (۶۱۳۰ نفر) ساکن بودند. به عبارت دیگر، ۶۱ درصد از مهاجران ایرانی در کشورهای قاره آمریکا استقرار داشتند که از این گروه، ۸۸ درصد در ایالات متحده، ۱۱/۷ درصد در کانادا و بقیه در سایر کشورهای این قاره ساکن بودند.

گزارش صندوق بین‌المللی پول حاکی از آن است که، در بین ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه‌نیافته جهان، ایران از نظر مهاجرت رتبه نخست را داراست به نحوی که سالیانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار تحصیل کرده از ایران خارج می‌شوند (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۶). در رده بندی فرار مغزها (مهاجرت متخصصان به کشورهای توسعه یافته) در آسیا نیز ایران بالاترین مکان را داراست (یگانگی، ۱۳۸۱: ۴۷۶).

گزارش صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که ایران، با

۱۰۵ هزار نفر مرد و زن تحصیل کرده در میان نخبگان دانشگاهی مهاجر در آمریکا، رتبه سوم را دارد. چین با ۲۶۵ هزار نفر و هند با ۲۲۸ هزار نفر در رتبه اول و دوم هستند (همان). طبق سرشماری سال ۲۰۰۲، ایرانی‌های مقیم آمریکا تحصیل کرده‌ترین اقلیت در آمریکا هستند که ۶۹ درصد لیسانس یا بالاتر و ۲۸ درصد مدرک فارغ‌التحصیلی دارند (ایمان، ۱۳۸۲: ۲۹).

علاوه بر کشورهای غربی، امارات متحده عربی نیز در جذب جوانان تحصیل کرده ایرانی سهم چشمگیری دارد. براساس آخرین آمارها، نزدیک به ۳ هزار دانشجوی ایرانی در دانشگاه‌های امارات در مقاطع مختلف تحصیل می‌کنند. اگر متوسط هزینه سالانه تحصیل و اقامت و سایر هزینه‌های جانبی برای هر دانشجو ۲۰ هزار دلار در نظر گرفته شود، سالیانه حدود ۶۰ میلیون دلار ارز صرفاً برای ادامه تحصیل دانشجویان ایرانی در امارات متحده عربی از کشور خارج می‌شود.

در مورد نیروهای کار ایرانی شاغل در خارج از کشور آمارهای متعددی وجود دارد. حدود ۲۰ هزار ایرانی در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، ۳۵ هزار نفر در ژاپن، ۴ هزار نفر در کره شمالی و ۶۷ هزار نفر در استرالیا مشغول به کار هستند. در مورد ایرانیان شاغل در سایر کشورهای منطقه آمار دقیقی وجود ندارد (علاءالدینی و امامی، ۱۳۸۳: ۱۰).

صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی اعلام کرد ایران، در سال ۲۰۰۶، بیش از دو میلیارد دلار از محل صادرات نیروی کار درآمد کسب کرد و در میان کشورهای خاورمیانه (پس از لبنان، عراق و اردن) در رتبه چهارم قرار دارد. این مبلغ معادل یک درصد تولید ناخالص داخلی کشور است (آزادی کناری، ۱۳۸۸: ۴۰۲).

در مورد مهاجران خارجی در ایران، تخمین‌های شورای هماهنگی اشتغال اتباع خارجی حاکی از آن است که، در سال ۱۳۸۳، حدود ۱۱۲۰۰ نفر نیروی کار خارجی به طور رسمی در ایران ساکن بودند، شامل کره‌ای‌ها (در پروژه‌های مختلف گاز)، تایلندی‌ها (در پروژه گاز پارس جنوبی)، و سیک‌های هندی (در ساخت قطعات خودروی ایران). همچنین ۸۰ هزار نیروی کار غیرمعارف، به استثنای پناهندگان افغان بدون مجوز کار، در کشور شاغل هستند که عمدتاً از عراق، پاکستان و بنگلادش آمده‌اند.

براساس نتایج حاصل از اجرای طرح شناسایی افغان‌های ساکن در ایران (۱۳۸۰-۱۳۷۹)، حدود ۲ میلیون و ۳۵۰ هزار نفر افغان در ایران زندگی می‌کنند که از میان آنان، حدود ۸۹۰ هزار نفر در بازار

می توان گفت که ساختار اصلی جمعیتی امریکا و استرالیا با مهاجرت اروپاییان شکل گرفته است. روند مهاجریزی امریکا و استرالیا و اکثر کشورهای غربی تا به امروز نیز ادامه دارد و اکثر مهاجران به این کشورها افراد تحصیل کرده و دارای تخصص اند.

عمده ترین مهاجرت به ایران در دهه اول انقلاب اسلامی صورت گرفت و در طی آن، عده کثیری از مهاجران افغان و معاودین عراقی وارد کشور شدند که اکثر آنها به دلیل طولانی شدن مدت اقامتشان در ایران حاضر به ترک کشور نیستند. اکثر مهاجران افغان کم سواد و فاقد هرگونه مهارت و تخصص و جزو افراد کم درآمد جامعه مبدأ بوده اند که با مهاجرت خود به ایران موجب تقلیل میزان های باسوادی، مهارت و درآمد در کشور شده اند. به عبارت دیگر، از آنجایی که این افراد به دلیل دافعه های مبدأ (جنگ و ناامنی های داخلی) مهاجرت کرده اند، عمدتاً دارای انتخاب های منفی هستند. در مقابل، مهاجران به کشورهای توسعه یافته که اکثراً به دلیل جاذبه های مقصد مهاجرت می کنند، بیشتر از انتخاب های مثبت (سواد و تحصیل، تخصص بالاتر، سلامت بیشتر و دارایی کافی) برخوردارند.

مهاجرت های خارجی در ایران (مهاجرت از ایران به سایر کشورها) از سال ۱۳۰۰ با بروز تحولات اقتصادی و اجتماعی در داخل و پیدایش بازارهای جدید کار در دیگر کشورها آغاز شد که عمدتاً شامل مهاجرت افراد تحصیل کرده و به اصطلاح فرار مغزها به خارج از کشور است. مهاجرت افراد متخصص از کشور طی سال های اخیر افزایش نیز یافته است. با توجه به این نتایج می توان چنین قضاوت کرد که مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور که اکثراً به دلیل جاذبه مقصد صورت می گیرد عمدتاً با انتخاب های مثبت توأم است و همواره افراد تحصیل کرده، متخصص و صاحب دارایی های زیاد دست به مهاجرت می زنند که این امر به تقلیل شاخص های فوق در مبدأ منجر می گردد. بنابراین می توان گفت که مهاجرت های خارجی در ایران از هر دو جهت، هم مهاجریزی و هم مهاجرفرستی، به تضعیف شاخص های توسعه در کشور می انجامد.

مهاجرت های روستا- شهری که بعد از انقلاب صنعتی در اروپا آغاز گردید و با ایجاد کارخانجات در شهرها و روانه شدن سرریز جمعیت روستایی (به دلیل انقلاب پزشکی، کاهش مرگ و میر و افزایش سریع جمعیت) همراه شد، به توسعه صنعتی شهرها و نیز پیشرفت تدریجی روستاها انجامید. اما مهاجرت های روستا- شهری

کار ایران حضور دارند. ولی برخی از دست اندرکاران بازار کار ایران معتقدند که آمار طرح فوق دقیق نیست و با احتساب کودکان و زنان افغان شاغل در ایران، تعداد کارگران افغانی به بیش از یک میلیون نفر می رسد. همچنین براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، حدود ۶۲۰ هزار نفر غیرایرانی در جمع شاغلین کشور به کار اشتغال داشته اند.

آمارهای رسمی منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران نشان می دهد برای ایجاد هر فرصت شغلی در کشور باید ۲۰ میلیون تومان هزینه کرد. بر این اساس و با توجه به اشتغال بیش از یک میلیون کارگر غیرمجاز افغان در کشور، می توان نتیجه گرفت که اشتغال غیرقانونی افراد سالانه ۲۰ هزار میلیارد تومان به اقتصاد کشور زیان می رساند.

در طی سال های ۱۳۸۵-۱۳۷۵، بیش از ۱۲ میلیون نفر یا ۱۷ درصد از جمعیت کشور حداقل یک بار محل اقامت خود را تغییر داده و عمدتاً در شهرها و شهرهای بزرگ ساکن شده اند که ۵۵/۶ درصد از مهاجران مرد و ۴۴/۴ درصد زن بودند.

جمعیت ۳۵-۱۸ ساله بخش عمده مهاجران (۵۶/۸ درصد) را در این دهه تشکیل داده اند. در بین استان های کشور، استان های قم، سمنان و تهران بیشترین سهم مهاجریزی و استان های سیستان و بلوچستان، کرمان، خوزستان و آذربایجان غربی کمترین سهم را داشته اند.

مقایسه وضعیت مهاجرت های داخلی در ایران با سایر کشورهای منطقه نشان می دهد که میزان جابه جایی های جمعیتی در داخل مرزهای کشور در ایران خیلی بیشتر از کشورهای منطقه است. گستره وسیع جغرافیایی، یکنواخت نبودن شرایط آب و هوایی، توسعه نابرابر، اعمال سیاست های غیرمستقیم جابه جایی جمعیت (مانند سیاست های جذب دانشجویان یا سرباز)، و عدم نظارت بر جابه جایی های جمعیت از جمله مهم ترین عوامل مؤثر در این نوع مهاجرت ها هستند.

۲.۵. مقایسه یافته های ایران و دیگر کشورها

پس از ورود آریایی ها به ایران و جابه جایی های مقطعی بر اثر جنگ و گریزها و تهاجمات بیگانه، این کشور تا قرن اخیر با مهاجرت های عظیم بین المللی روبه رو نبوده است حال آنکه مهاجرت های عظیم اروپاییان به امریکا و استرالیا از اوایل قرن نوزدهم آغاز شد و

در کشور ما به جذب صحیح مهاجران در شهرها منجر نشده و علاوه بر تخلیه روستاها و تضعیف بخش کشاورزی، موجب بروز مسائل و مشکلات متعدد در شهرها نیز شده است؛ و اساساً این نوع مهاجرت‌ها به توسعه نابرابر در کشور دامن زده است.

منابع

- آزادی کناری، شعبان. (۱۳۸۸)، «بررسی اثرات قانونمند کردن مهاجرت (اعزام) نیروی کار به خارج از کشور بر بازار کار ایران»، مجموعه مقالات همایش مهاجرت در ایران، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- اوبرای، اس. (۱۳۷۰)، مهاجرت، شهرنشینی و توسعه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- ایمان، مریم. (۱۳۸۲)، «مشکل زبان: ایرانیان مقیم واشنگتن»، خلاصه مقالات همایش گفتمان جوانان اندیشمند ایرانی داخل و خارج کشور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پورطاهری، مهدی و سمیرا محمودی. (۱۳۸۸)، «اقدامات راهبردی مقابله با مهاجرت‌های روستا-شهری با استفاده از مدل SWOT. مطالعه موردی: بخش مانه، شهرستان مانه و سملقان»، مجموعه مقالات پنجمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- تودارو، مایکل. (۱۳۶۸)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، سازمان برنامه و بودجه، چ ۴.
- حسینی جبلی، سید سعید. (۱۳۸۸)، «بررسی مهاجرت در مناطق مختلف جهان: تحلیل موضوعی ایران»، مجموعه مقالات پنجمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- خبرگزاری مهر. (۱۳۸۶)، «چرا بلیط رفت نخبگان ایرانی برگشت ندارد»، قابل دسترسی در: www.topiranian.com/maghalat/archives/.../49.html
- زنجانی، حبیب‌اله. (۱۳۸۰)، مهاجرت، تهران، سمت.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. (۱۳۸۴)، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۸۸)، تهران.
- طاهرخانی، مهدی. (۱۳۸۰)، «تحلیلی بر عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستا-شهری»، تحقیقات جغرافیایی، س ۱۶، ش ۳.
- علاءالدینی، پویا و یحیی امامی. (۱۳۸۳)، گزارش ملی مهاجرت نیروی کار در ایران، تهران، سازمان بین‌المللی مهاجرت و وزارت کار و امور اجتماعی.

کاظمی‌پور، شهلا. (۱۳۸۴)، «آثار و پیامدهای اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی مهاجرت جوانان»، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

- _____. (۱۳۸۶)، مسائل مرتبط با مهاجرت جوانان، تهران، سازمان ملی جوانان و مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- _____. (۱۳۸۸)، «سنجش میزان مهاجرت‌های روستایی، روستاهای استان آذربایجان غربی طی دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ و شناخت عوامل اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر آن»، مجموعه مقالات همایش مهاجرت در ایران، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- لوکاس، دیوید و پاول میر. (۱۳۸۱)، درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، تهران، دانشگاه تهران.
- لهستانی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۶)، مهاجرت، شیراز، نوید.
- مارتین، فیلیپ. (۱۳۸۳)، مهاجرت نیروی کار، ترجمه سید حسن هفده‌تن، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- متانی، محمدعلی. (۱۳۸۶)، مجموعه قوانین برنامه اول، دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات جنگل.
- محمودوند، رحیم، مهناز محمدی و علی محمد محمودوند. (۱۳۸۸)، «بررسی مهاجرت در شهرستان تویسرکان»، مجموعه مقالات پنجمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران.
- _____. (۱۳۸۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران.
- مشفق، محمود. (۱۳۸۱)، «برآورد شاخص‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مناطق روستایی استان‌های ایران و بررسی تأثیر آنها بر مهاجرت‌های روستایی در دهه ۷۵-۱۳۶۵»، مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- میکانیکی، جواد و الهام تاج‌ریزی. (۱۳۸۸)، «ساختار اقتصادی خانوارهای روستایی و مهاجرت شغلی»، مجموعه مقالات همایش مهاجرت در ایران، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- نظری تاج‌آبادی، حمید. (۱۳۶۹)، بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی مسئله پناهندگی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ویکس، جان. (۱۳۸۵)، جمعیت، ترجمه الهه میرزایی، تهران، مؤسسه عالی آموزشی و پژوهشی مدیریت و برنامه‌ریزی.

form.

Sanchez-Albornoz, N. (1988), *Espanoles Hacia America: La Emigracion en Mass. 1880-1930*, Madrid: Ahanza Editorial.

Skeldon, Ronald. (2008), "International Migration as a Tool in Development Policy", *Population and Development Review* 14/1:1-18.

یگانگی، اسماعیل. (۱۳۸۱)، *مهاجرت بزرگ ایرانیان*، تهران، نشر علم.

Goldscheider, Calvin. (1971), *Population, Modernization, and Social Structure*, Boston: Little, Brown.

Population Division of the United Nations Secretariat. (2006), *Trends in Total Migrant Stock: The 2005 Revision* (POP/ DB/ MIG/ REV. 2005), database in digital